

سخنی از خانواده

در شماره گذشته باتوجه به نقش مهم خانواده در بحث آموزش و پرورش که در این روزها بیش از پیش بر همه‌گان مسجل شده گفت‌وگویی با برخی از والدین در مقاطع مختلف انجام شد که قطع خواندندش برای مسئولین دلسوز و دوراندیش، راه‌گشا و مؤثر بوده است. بنا داریم تا این صفحه را در اختیار والدین قرار دهیم که از نیازها پیشنهادات و انتقاداتشان، بیش‌تر بدانیم و خدماتی بهتر از قبل به ایشان ارائه دهیم. مطالبی که به نظر شما خواهد رسید یادداشت‌هایی است که چند نفر از مادران برای ما فرستاده‌اند و امیدواریم در شماره بعد نام پدران هم به این بخش اضافه شود که معمولن خودخواسته یا ناخواسته در امور این‌چنینی مغفول مانده‌اند.

روایتی مادرانه از روزهای کرونازدهی آموزش

◀ نگین خادمی، دبستان دخترانه و پسرانه دوره دوم، ناحیه ۲

امیدوارم که حال روحی تمام مادران این سرزمین خوب باشد، مادرانی که حال‌شان به حال تمام اعضای خانواده گره خورده است، نه از این گره‌های معمولی بلکه از آن گره‌های کوری که با دندان هم باز نمی‌شود. با تمام حرمتی که پدران زحمت‌کش دارند، این روزهای کرونازده این قرنطینه‌های هفتگی و ماهیانه و سالانه و این آموزش مجازی بار دیگر نشان داد که مادران کجای قصه‌ی یک خانواده نشستند.

اسفند ۹۸ که کلاس‌های حضوری برچیده شد و سایه‌ی ترس کرونا بر سر خانواده‌ها افتاد، آموزش مجازی سیاه‌چاله‌ای بیش نبود، سیاه‌چاله‌ای که هرچه به آن نزدیک‌تر می‌شدیم سرگردان‌ترمان می‌کرد. هنوز کرونا رخت برن بسته بود و من مادر دو دانش‌آموز بودم. سال تحصیلی جدید قرار بود از همان ابتدای کار به صورت مجازی شروع شود. خدا می‌داند که در چه ابهامی سیر می‌کردم. تنها امیدوار بودم که در فصل

تابستان مسئولین چاره‌ای کنند. زمان موعود فرا رسید. ۱۵ شهریور، مدارس کار خود را شروع کردند. از حق نگذریم در این شرایط معلمان عزیز تمام تلاش خود را کردند و با کمک خداوند بزرگ، معلمان مدارس جوادالائمه، همراهی بچه‌ها و البته خانواده‌ها کم کم با شرایط سازگار شدیم. بچه‌ها هم یاد گرفتند که چه باید کرد. والدین فهمیدند که چه‌طور بچه‌ها را همراهی کنند و معلمان روزبه‌روز با فضای مجازی خودی‌تر شدند. پیش از این راجع به «Home schooling» بسیار خوانده بودم اما متأسفانه هیچ تصویری از آن نداشتم و همین کرونای عالم‌گیر باعث شد که در حال حاضر این روش تحصیلی را بفهمم و با آن موافق باشم. برنامه‌ی درسی دخترم منظم پیش می‌رود. ارتباط من با معلمان او بیش‌تر از قبل هم شده، در جریان اشکالات هستم و روش‌های تدریس را بررسی می‌کنم. به نظرم فرآیند یادگیری بهتر صورت می‌گیرد اما جای روش‌های نوین، منعطف و خلاقانه خالی است. اگر تدریس به صورت خشک و کلاسیک نباشد و راه و رسم‌های جذاب‌تر مثل انیمیشن، کارتون، قصه و... به کار برده شود، فرآیند آموزش، ایجاد علاقه و لذت حین یادگیری در دانش‌آموزان نیز بیش‌تر و مؤثرتر خواهد بود.

باید همین‌جای نوشته‌ام از تلاش‌های مربی کتاب‌خوانی مدرسه دخترم تشکر کنم که نه تنها در دختر من بلکه در باورها و دیدگاه‌های من نیز تحول اساسی به وجود آورد. آموزش روش‌های قصه‌گویی، غلبه بر غول ناتوانی، باور خود و غیره روش‌هایی بود که با وجود ارتباط مجازی اما تأثیرهای واقعی داشت. بودند فعالیت‌هایی مثل خوش‌نویسی و یا ورزش که انتظار بیش از این‌ها داشتم و پیشنهادم این است که این دو فعالیت هم در برنامه‌ی کلاسی دانش‌آموزان به صورت جدی لحاظ شود. دانش‌آموزان در ساعت مورد نظر، حاضر و کلیپ آموزش را مشاهده و تکالیف خود را برای مربی مربوطه ارسال کنند. این همان کاری است که در خصوص خوش‌نویسی در مدرسه‌ی پسرانه انجام می‌شود. تدریس معلم و دل‌سوزی او برای پسر عزیزمان هم قابل تقدیر است، هرچند ارتباط با معلم و پی‌گیری امور درسی به سختی صورت می‌گیرد. یکی از مواردی که در تدریس مجازی از مدارس انتظار می‌رود، این است که با استفاده از نرم‌افزارهای مناسب، ایجاد ارتباط مستقیم تصویری دانش‌آموزان با معلم مربوطه مقدور باشد که متأسفانه این ارتباط در دبستان پسرانه وجود نداشت. هدف من به شخصه از فرستادن فرزندانم به مدارس جوادالائمه فقط دانش‌اندوزی نیست که صد البته بدیهی‌ترین نیاز است، بلکه از دید من مهم‌تر از آموزش، پرورش است و در همین راستا فعالیت‌های فوق‌برنامه اگر هدفمند و با اندیشه‌ی روشن اجرا شوند، می‌توانند یک تحول اساسی و بنیادین در روند تحصیل فرزندانمان ایجاد کنند.

یاران دبستانی، در صف خطوط مجازی

◀ فاطمه طالبی پور، پیش دبستان، ناحیه ۱

در این یادداشت قصد دارم تا در خصوص نگرانی‌های یک مادر بنویسم، مادری که دانش‌آموزی آماده‌ی ورود به پایه‌ی اول دبستان دارد. با تأثیرات پاندمی کرونا و تغییرات روش آموزشی، دغدغه‌های خاصی در این زمینه و برای این دسته از والدین ایجاد شده است که به آن‌ها اشاره می‌کنم و در حد توان خود نیز به راه‌کارهای پیشنهادی خواهیم پرداخت.

قبل از شیوع کرونا به لطف تغییرات صورت گرفته در سیاست آموزشی کشور، کودکان خردسال ما، پایه‌ی پیش دبستانی را در دو سطح پیش ۱ و ۲ می‌گذراندند و از آموزش‌هایی نظیر آشنایی با اعداد، نحوه‌ی به‌کارگیری از عبارات و مقایسه‌ها، آشنایی با حروف و غیره برخوردار می‌شدند. این نוגلان با جدایی موقت چند ساعته از خانواده با مسائلی هم‌چون نظم در خواب و بیداری، حضور به‌موقع در فضای پیش‌دبستانی، آشنایی با هم‌سالان و تجربه‌ی جامعه‌ی کوچک کلاس نیز از نظر تربیتی رشد کرده و قوانین آموزشی مدرسه را در یک فضای مهربان و لطیف تجربه می‌کردند. همین تجربه‌ها بستر لازم برای حضور آنان در پایه‌ی اول دبستان را فراهم کرده بود. بنابراین کادر آموزشی در پایه‌ی اول دبستان از این امتیاز برخوردار بودند که دانش‌آموزان ورودی پایه‌ی اول، با نکات اولیه آشنا باشند و به این ترتیب آن‌ها تمرکز خود را بیش‌تر بر روی نکات آموزشی قرار دهند.

با شیوع پاندمی کرونا از چند منظر این پیش‌فراگیری‌ها فاقد ارزش‌یابی صحیح گردید. بسته به شغل والدین دانش‌آموز، هر روز یک رابط از اعضای خانواده‌ی درجه‌ی یک یا دو هنگام برگزاری کلاس‌ها و آزمون در کنار دانش‌آموز بود. همین امر موجب شد تا بازتاب دقیق آموزش مجازی به‌صورت صحیح دریافت نشود. در این مدت همه‌گی شاهد این امر بودیم که گاهی محبت ناآگاهانه‌ی برخی از اعضای خانواده موجب می‌شد تا پاسخ‌گویی به سؤالات مطرح شده و تکالیف بر دوش والدین بیفتد و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموز در این خصوص رشدی نداشته باشد.

از منظری دیگر نیز امکان شناسایی نوجوانی که در زمینه‌ی گفتاری، رفتاری، اوتیسم و غیره نیازمند مراجعه به مراکز مشاوره درمانی و یا حتی حضور در مدارس استثنایی در پایه‌ی اول بودند هم بسیار سخت گردید، چراکه مربیان نمی‌توانستند از نزدیک نحوه‌ی رفتار و حرکات دانش‌آموز را در یک بازه‌ی زمانی ۶ ساعته در روز و ۹ ماهه در سال بررسی کنند، لذا در جذب دانش‌آموزان پایه‌ی اول دبستان می‌بایست در مرحله‌ی گزینش اولیه دقت بیش‌تری انجام شود، به‌گونه‌ای که با رعایت پروتکل‌های بهداشتی زمان بیش‌تری در این زمینه صرف شده و گذراندن دوران پیش‌دبستانی حتی در مراکز یا سابقه‌ی درخشان آموزشی دیگر ملاک ورود و پذیرش نشود زیرا تجربه‌ی امسال در برخی از همین مراکز بیان‌گر این مطلب بوده است که علی‌رغم قوی بودن کادر آموزشی، متأسفانه این مراکز از امکانات مجازی مناسب برخوردار نبودند و نتوانسته‌اند ارتباط مناسبی با نوآموزان داشته باشند و تراز علمی گذشته‌ی خود را حفظ کنند.

نکته‌ی بعدی این‌که تا این لحظه اعلام شده است که تا ابتدای پاییز سال آینده کلیه‌ی افراد جامعه واکسن کرونا را دریافت خواهند کرد و در صورت صحت و انجام این امر، کلاس‌های سال آینده به‌صورت حضوری برگزار خواهد شد. بنابراین برگزاری مجدد کلاس‌ها به صورت حضوری نیازمند سعه‌ی صدر آموزگاران این پایه در زمینه‌ی آموزشی و رفتاری با دانش‌آموزانی است که نسبت به ورودی سال‌های گذشته به مراتب ضعیف‌تر و شکننده‌تر خواهند بود. امیدوارم که هرچه زودتر این پاندمی پایان بگیرد و کودکان ما از موهبت آموزش حضوری نیز بهره‌ها ببرند.

من یک مادرم

◀ مهلا خواجه‌مبارک، دبستان پسرانه دوره اول، ناحیه ۱

صدای هشدار ماشین لباس‌شویی درآمده، می‌روم که لباس‌ها را پهن کنم. معلم حضور غیاب می‌کند. پسرم حواس‌اش رفته پی جلد پاک‌کن‌اش. معلم اسم‌اش را صدا می‌زند. از بالکن می‌دوم داخل و می‌گویم بگو حاضر.

پیاذاها را داخل تابه می‌ریزم، صدای اعتراض روغن که بلند می‌شود، می‌بینم پسرم از پاک‌کن‌اش کلافه شده. معلم از دورهای دور از جایی پشت صفحه‌ی مانیتور لپ‌تاپ دیکته می‌گوید و پسرم از دیکته عقب افتاده. تابه را رها می‌کنم و برایش پاک‌کن دیگری می‌آورم. پیاذاها دیگر طلایی نیستند و بوی سوختن‌شان می‌آید. با خودم فکر می‌کنم این رنگ و این بو در برابر آموزش و سلامت روان پسرم چه اهمیتی دارد، با خودم فکر می‌کنم سال سختی است. برای همه سال سختی است و برای مادران هم. فکر می‌کنم که من می‌توانم که معلم دیگرش باشم. لبخندی می‌زنم و زیر لب می‌گویم: «من می‌توانم چون من یک مادرم.» ■